

17148
17929

فقه القرآن شیعه در بستر تاریخ

دکتر محمد فاکرمیبدی*

چکیده

این مقاله در آغاز به کلیاتی درباره موضوع، از جمله ماهیت فقه القرآن، جایگاه آن، اتجاه به کار رفته در تفسیر آیات الاحکام و پیشینه این دانش به لحاظ موضوع و تدوین می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که تفسیر آیات الاحکام به لحاظ منهج، اجتهادی؛ به لحاظ اتجاه فقهی و به لحاظ اسلوب، موضوعی ترتیبی است. نویسنده مقاله بر این باور است که فقه القرآن نه فقه محض است و نه تفسیر صرف، بلکه مجمع هر دو دانش است و در بُعد تاریخی معتقد است: تاریخچه موضوع آیات الاحکام به زمان پیامبر ﷺ و نزول اولین آیه فقهی قرآن بازمی‌گردد؛ ولی پیشینه تدوین آن به عصر امام صادق علیه السلام می‌رسد. این مقاله در نهایت به این ثمره علمی منتهی می‌شود که شیعه، بنیانگذار دانش فقه القرآن به عنوان یک علم مستقل است.

در ادامه این نوشتار، به نهضت فقه پژوهی در طول تاریخ پرداخته شده است که به هفت دوره حرکت، دوره ایستایی، دوره پویایی، دوره شکوفایی، دوره رکود، دوره بازگشت و دوره رشد و رویش قابل تقسیم است؛ ضمن آنکه نویسنده برای هر کدام از این دوره‌ها ویژگی‌هایی را همراه با آثار نگاشته شده هر دوره، بیان می‌کند و در پایان به جمع‌بندی و بیان سهم شیعه در تفسیر آیات الاحکام در جهان اسلام اشاره می‌کند.

کلیدواژه‌ها: فقه القرآن، آیات، احکام، دوره رکود، دوره رویش.

مقدمه

یکی از نمادهای قرآن‌شناسی که در حوزه تفسیر نمایان می‌شود، تفسیر آیات الأحکام و یا به تعبیر دیگر، فقه‌القرآن است که بزرگان از فقهای مفسر با همت زیاد و سعی وافر تلاش نموده‌اند تا این بخش عظیم از آیات قرآن را تفسیر نموده، یکی از مهم‌ترین ابعاد کتاب الهی - که مربوط به احکام عملی و نیز حقوق اسلامی است - را شناخته، به جامعه قرآن‌دوست بشناسانند و این مهم، زمانی جلوه‌گر می‌شود که معلوم گردد این حرکت عظیم از چه زمانی و در کجا آغاز شده است و چه کسی آن را بنیانگذاری نموده است و نیز سهم شیعه امامیه اثنی عشریه در این حرکت علمی تا چه اندازه است؟

ماهیت و جایگاه فقه‌القرآن

پیش از پرداختن به اصل موضوع، مناسب است به «موضوع» اشاره شود که ماهیت فقه‌القرآن چیست و جایگاه آن کجاست؟ در پاسخ باید گفت: فقه‌القرآن به لحاظ ماهیت علمی، در حقیقت تفسیر آیات الاحکام است؛ بر این اساس مباحث مربوط به تقسیم و تفاسیر و تنوع آن درباره این بحث نیز جاری خواهد بود. در تقسیم‌بندی تفاسیر معمولاً سه عنصر منهج (مصادر)، اتجاه (گرایش فکری) و اسلوب، ایفای نقش می‌کند و تفسیر قرآن را از زوایای مختلف متنوع می‌سازد؛* البته برخی از قرآن‌پژوهان، بدون تصریح به نقش تنوعی آن، عوامل دیگری را نیز در تنوع تفسیر، مؤثر می‌دانند که در این کوتاه‌نوشته نمی‌گنجد (بابایی، ۱۳۸۱ ش. ج ۱، ص ۱۳-۲۰).

* تفاسیر قرآن به لحاظ منهج، به تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر قرآن به روایت، تفسیر قرآن به عقل و تفسیر قرآن به اجتهاد تقسیم می‌شود. به لحاظ اتجاه نیز به تفسیر کلامی، تفسیر عرفانی، تفسیر اجتماعی، تفسیر ادبی، تفسیر فقهی، تفسیر علمی و... تقسیم می‌گردد؛ همچنین به لحاظ اسلوب، به تفسیر ترتیبی و تفسیر موضوعی و تفسیر ارتباطی تقسیم می‌شود.

در نتیجه، تقسیم برخاسته از عناصر سه گانه فوق تفسیر آیات الأحکام، به لحاظ منهج، تفسیر اجتهادی است؛ گرچه از جهتی از شیوه تفسیر قرآن به قرآن و تفسیر قرآن به روایت نیز استفاده می شود.

به لحاظ اتجاه، تفسیر فقهی است؛ همچنین به لحاظ اسلوب، از یک جهت تفسیر موضوعی و از جهت دیگر تفسیر ترتیبی است؛ چراکه آیات قرآن از نظر محتوا و موضوع، به آیات معارف و عقاید، آیات تهذیب و اخلاق، آیات علوم و فنون، آیات تاریخ و قصص و آیات الاحکام تقسیم می شود؛ و فقه القرآن متکفل گروه اخیر است؛ هرچند تمام آیات فقهی به عنوان موضوع عام و آیات مربوط به عناوین محدودتر چون: نماز، حج، جهاد و مانند آن به عنوان موضوع خاص تلقی می شود. تفسیر این دسته از آیات، ممکن است به ترتیب آیه ها و چینش سوره های قرآن باشد؛ آن گونه که غالب اهل سنت عمل کرده اند و نام «أحكام القرآن» و یا «آیات الأحکام» را بر آن نهاده اند؛ همچنین ممکن است به ترتیب مباحث فقهی صورت پذیرد؛ چنان که دانشمندان شیعه رفتار کرده اند و بیشتر آثار خود را «فقه القرآن» نامیده اند؛* بنابراین تفسیر آیات الاحکام از این حیث، یکی از نمادهای تفسیر موضوعی به شمار می رود.

با نگاهی به تفسیر آیات الاحکام از زاویه تبیین احکام فقهی، به این موضوع پی خواهیم برد که این علم، جزئی از دانش فقه است، اما نه فقه محض. از سوی دیگر با نگاه بدان از زاویه تبیین آیات قرآن، بخشی از دانش تفسیر خواهد بود، اما نه تفسیر صرف؛ از این رو می توان گفت تفسیر آیات الاحکام مجمع هر دو دانش است و برای تحقق آن مبانی و اصول هر دو علم لازم است؛ از دیگر سو با توجه به

* ممکن است این دو اصطلاح را به این صورت جمع نمود و گفت: اصطلاح آیات الاحکام از زاویه قرآنی این دانش است و اصطلاح فقه القرآن، ناظر به شرح و تفسیر آن است.

اینکه قرآن یکی از منابع مهم حقوق اسلامی، بلکه مهم‌ترین آن است، تفسیر آیات الاحکام، در حقیقت تبیین مهم‌ترین مصدر تشریح و منبع تشریح حقوق اسلامی است.

پیشینه تفسیر آیات الاحکام

شکی نیست که تاریخچه موضوع آیات الاحکام، به زمان پیامبر ﷺ و نزول اولین آیه فقهی قرآن باز می‌گردد؛ زیرا با نزول اولین آیه‌ای که پیامش، عمل به مفاد آن بود و مردم از کم و کیف آن آگاهی نداشتند، مردم برای عمل بدان از پیامبر ﷺ سؤال می‌کردند و آن حضرت نیز بر اساس آیه کریمه «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» (و این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است، توضیح دهی) (نحل: ۴۴) که بیانگر وظیفه تبیینی پیامبر ﷺ است، به حسب مورد و متناسب موضوع، پاسخ لازم را بیان نمودند و رهنمود اساسی را ارائه کردند؛ در حقیقت باید گفت پیشینه تفسیر آیات الاحکام به دوره نبوی برمی‌گردد؛ زیرا بیان حضرت در خصوص این دسته از آیات چیزی جز تقسیم آیات فقهی نیست.

عصر نبوی

ذهبی می‌نویسد: «اصحاب پیامبر ﷺ هرگاه مشکلی در فهم قرآن پیدا می‌کردند، به پیامبر ﷺ مراجعه می‌کردند و جواب را دریافت می‌نمودند»؛ چراکه بیان قرآن، وظیفه آن حضرت بود. ذهبی سپس به نمونه‌هایی از تفسیر آن حضرت اشاره می‌کند؛ از جمله اینکه وی در تفسیر آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال: ۶۰) می‌فرماید: «الا و ان القوة الرمی؛ منظور از قوت، رمی است» (ذهبی).

۱۴۲۱ ق. ج ۱، ص ۳۳. ملاحظه می‌شود که در این بیان نبوی - که در واقع تفسیر آیه جهاد است و مصداقی از یک حکم فقهی می‌باشد - قوه به تیراندازی تفسیر شده است؛ البته در منابع روایی و تفسیری شیعه نیز با همین مضمون وجود دارد؛ چنان‌که کلینی از عبدالله بن مغیره نقل می‌کند: پیامبر ﷺ در تفسیر آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ» فرمود: «الرَّمْيُ» (کلینی، ۱۳۶۵ ش. ج ۵، ص ۴۹ / حر عاملی، ج ۱۱، ص ۴۲۷ و ج ۱۹، ص ۲۵۲ / نوری، ۱۴۰۸ ق. ج ۱، ص ۳۹۲)؛ گرچه عیاشی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که در تفسیر آیه فرمود: «سَيْفٌ وَ تَرْسٌ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق. ج ۱۱، ص ۴۲۷).

آیت‌الله معرفت نیز می‌نویسد:

پیامبر ﷺ مرجع نخست در فهم آیات مشکل قرآن [و از جمله آیات الاحکام] و مصدر اصلی در حل آن مشکلات می‌باشد؛ زیرا همان‌گونه که وظیفه داشت قرآن را ابلاغ نماید، بیان آن نیز بر عهده وی بود و این کار را نیز انجام داد؛ مجمل‌های قرآن را تفصیل داد؛ مبهم‌های آن را به وسیله سیره عملی و یا به وسیله سخن خود - که در حقیقت تفسیر قرآن بود - تبیین نمود که از جمله آن، می‌توان به این گفته اشارت نمود که فرمود: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي صِلَى»: «نماز را آن‌گونه به جای آورید که می‌بینید من انجام می‌دهم» که در حقیقت شرح و بیان این آیه است که می‌فرماید: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ» (بقره: ۴۳): «و نماز را بر پا دارید» و نیز این آیه که می‌فرماید: «فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا» (نساء: ۱۰۳): «نماز را [به طور کامل] به پا دارید؛ زیرا نماز بر مؤمنان، در اوقات معین مقرر شده است» و نیز فرمود: «خُذُوا عَنِّي مَنَاسِكَكُمْ»: «مناسک [حج]تان را از من [یاد] بگیرید» که در حقیقت

تفسیر این آیه می‌باشد که می‌فرماید: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» (آل عمران: ۹۷): «و برای خدا، حج آن خانه، بر عهده مردم است؛ [البته بر] کسی که بتواند به سوی آن راه یابد» (معرفت، ۱۳۷۷ ش. ج ۱، ص ۱۷۴).

چه بسا بتوان گفت: از اولین مواردی که مردم عصر نزول درباره تفسیر آیات قرآن بدان نیاز داشتند، تفسیر آیات الاحکام بود؛ هر چند با این عنوان مطرح نبوده است. اگر بپذیریم که اوامر و دستورالعمل‌های قرآن مورد عمل بوده است که هست، طبیعاً در اولین مورد نیز می‌بایست تکلیف مردم روشن می‌شد؛ چه اینکه در سوره مزمل که به حسب نزول، جزء سور اوایل (سومین سوره) می‌باشد و در آن به شش موضوع فقهی قرائت قرآن به قدر امکان، مسافرت، جهاد، اقامه نماز، ادای زکات و قرض پرداخته شده، فرموده است: «فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا» (مزمل: ۲۰): «هر چه از قرآن میسر می‌شود، قرآن بخوانید. [خدا] می‌داند که به زودی در میانتان بیمارانی خواهند بود و [عده‌ای] دیگر در زمین سفر می‌کنند [و] در پی روزی خدا هستند و [گروهی] دیگر در راه خدا پیکار می‌نمایند؛ پس هر چه از [قرآن] میسر شد، تلاوت کنید و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و وام نیکو به خدا دهید». این دستورات چه همراه با دیگر آیات سوره مزمل نازل شده باشد و چه در فاصله یک سال، هشت‌ماه و یا شش‌ماه از نزول آیات اول سوره و چه پس از هجرت و در مدینه نازل شده باشد (طباطبایی: بی‌تا، ج ۲۰، ص ۷۴) نیازمند توضیح نبوی است تا بیان کند این قرائت واجب است یا مستحب؟ میسور محدود است و یا مجبوی؟ قرائت مستقل است

یا قرائت ضمن نماز؟ مریض و مسافر چه حکمی دارند؟ قتال و جهاد با چه شرائطی واجب است و در چه شرائطی واجب نیست؟ کمیت و کیفیت نماز چیست؟ موارد زکات و مقدار آن چقدر است؟ آیا فرض دادن در هر شرایطی مطلوب است؟ و دہا و بلکہ صدہا پرسش ناگفتہ کہ باید پیامبر ﷺ آنہا را تشریح کند و البتہ چنین نیز شدہ است.

عصر امامت

پس از عہد نبوی ﷺ در عصر ائمہ نیز این حرکت علمی ادامہ یافت و مسائل خرد و کلان فقہی قرآن تبیین گردید تا بدان جا کہ برخی از ریزترین مسائل فقہی با استناد بہ قرآن بیان می شد کہ مسئلہ مشہور وضو و بہ خصوص مسح سر و پا بہ استناد جملہ معروف «لِمَکَانَ الْبَآءِ» نمونہ ای از آن است. زرارہ می گوید: از امام صادق علیہ السلام پرسیدم از کجا می گویی کہ منظور، مسح بر بخشی از سر و پا است؟ آن حضرت فرمود: «یا زرارة قالہ رسول اللہ ﷺ وَ نَزَلَ بِهِ الْكِتَابُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»: «زرارہ! این سخنی است کہ پیامبر خدا گفتہ است و در قرآن نیز وجود دارد؛ چرا کہ خداوند عزوجل فرمود: «فاغسلوا وُجُوهَکُمْ، فَعَرَفْنَا أَنَّ الْوَجْهَ کُلُّہُ یَنْبَغِی أَنْ یُغْتَسَلَ، ثُمَّ قَالَ: وَ آیدِیکُمْ إِلَى الْمَرَاتِقِ، فَوَصَّلَ الْیَدِینِ إِلَى الْمِرْفَقِینِ بِالْوَجْهِ، فَعَرَفْنَا أَنَّهُ یَنْبَغِی لَهُمْ أَنْ یُغْتَسَلَ إِلَى الْمِرْفَقِینِ»: «از اینکہ دو دست تا مرفق را عطف بر صورت نمود، فهمیدیم کہ دستان باید تا مرفق شستہ شوند». پس از آن، حضرت لحن کلام خود را تغییر داد و فرمود: «وَ امْسَحُوا بِرُؤُوسِکُمْ»: از این تعبیر و اینکه فرمود «برؤوسکم» فهمیدیم کہ «أَنَّ الْمَسْحَ بَبَعْضِ الرَّأْسِ»: مسح بخشی از سر کافی است، بہ دلیل «لِمَکَانَ الْبَآءِ». پس از آن، حضرت پا را عطف بہ رئوس نمود و فرمود: «وَ آرْجُلِکُمْ إِلَى الْكَعْبَینِ»: از این عطف نیز فهمیدیم کہ مسح بخشی از سر کافی است (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق. ج ۳، ص ۳۶۵) و صدہا مسئلہ فقہی دیگر.

تاریخچه تدوین آیات الاحکام

در باره بحث از تاریخچه تحقیق و تألیف آیات الاحکام، باید گفت: این مسئله به عصر صادقین باز می‌گردد. در این عصر علاوه بر آنکه امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام در قالب روایات فقهی و تفسیری احکام قرآن را بیان می‌کردند، اصحاب آن حضرات نیز به تدوین اولین آثار خود در زمینه «فقه القرآن» اقدام می‌نمودند. در این دوره بود که اولین کتاب توسط ابونصر محمد بن السائب بن بشر الکلبی الکوفی (متوفا به سال ۱۴۶ قمری) نگاشته شد. آقابزرگ تهرانی از این کتاب نام برده است و آن را معرفی می‌کند (تهرانی، ۱۴۰۳ ق. ج ۱، ص ۴۰)؛ همچنین آیت‌الله نجفی نیز آن را به عنوان اولین تصنیف در موضوع «فقه القرآن» می‌داند. ابن ندیم نیز در کتاب «فهرست» خود در میان کتب مربوط به احکام قرآن، از این کتاب با عنوان «احکام القرآن للکلبی» نام می‌برد و می‌افزاید: کلبی این احکام را از ابن عباس نقل می‌کند (ابن ندیم، ۱۳۹۸ ق. ص ۵۷)؛ اما تعبیری که آیت‌الله مرعشی نجفی دارد این است: «روی فیه عن ابن عباس». این تعبیر نشانگر آن است که ابن سائب کلبی در این کتاب از ابن عباس نیز روایت می‌کند (کاظمی، ۱۳۶۵ ش. ص ۹)؛ از این رو سخن ابن ندیم که مشعر به این است که کلبی همه احکام را از ابن عباس روایت کرده است، سخن درستی به نظر نمی‌رسد؛ به ویژه اینکه کلبی از اصحاب امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام بوده است (موسوی خویی، ۱۴۱۳ ق. ج ۴، ص ۲۷ و ج ۱۷، ص ۱۱۴).

سراغاز فقه‌پژوهی قرآن

با توجه به آنچه در معرفی نخستین اثر در حوزه فقه القرآن گذشت، باید قرن دوم را زمان پایه‌گذاری این دانش نامید؛ به خصوص اینکه در میان اهل سنت نیز تا آن زمان کسی به فکر تألیف در زمینه احکام القرآن نبود؛ از سوی دیگر پس از ابن سائب، مقاتل بن سلیمان بن بشر الخراسانی (متوفا به سال ۱۵۰ هـ ق،

دومین کتاب فقه القرآن را با عنوان «تفسیر الخمسامة آية في الأحكام» در این قرن نوشت (کاظمی: پیشین): همچنین برخی از فضلاء معاصر در تحقیقی که از روی نسخه موجود این کتاب در کتابخانه بریتانیا انجام داده‌اند، نام اصلی آن را «تفسیر الخمسامة آية من القرآن في الأمر و النهی و الحلال و الحرام» می‌دانند (ناصحیان، ۱۳۸۳ ش: ص ۳۱)؛ البته مقاتل بن سلیمان گرچه از اصحاب امام باقر علیه السلام است (علامه حلی، ۱۳۸۱ ش: ص ۴۱۰ / اردبیلی: ۱۴۰۳ ق: ج ۲، ص ۲۶۱ / بروجرودی: ۱۴۱۰ ق: ج ۲، ص ۴۲) با این حال خالی از گرایش غیرشیعی نبوده است و لذا برخی از رجالیون شیعه وی را جامی لقب داده‌اند و آقای خوبی در رجال خود از وی نام نمی‌برد.

پس از مقاتل، ابومنذر هشام بن محمد بن السائب الکلبی (نسابه مشهور و متوفا به سال ۲۰۶ ه. ق) که او نیز از اصحاب امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام بوده است (البته عصر امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام را نیز درک کرده است) کتاب «تفسیر آیات الاحکام» را نوشت.

آقابزرگ تهرانی می‌نویسد: «هشام بن محمد دارای تفسیر بزرگی بوده است که مبسوط‌ترین تفاسیر به شمار می‌رفته است» (تهرانی: ۱۴۰۳ ق: ج ۱، ص ۴۰). سیوطی نیز در «اتقان» به این تفسیر اشاره نموده است (سیوطی: ۱۴۱۶ ق: ج ۲، ص ۴۹۸).

آقای خوبی در معرفی هشام بن محمد از قول نجاشی می‌نویسد: «هشام بن محمد عالم به نسب، عالم بالایام و دارای تألیفات زیاد بوده است (موسوی خوبی: ۱۴۱۳ ق: ج ۲، ص ۳۳۶). آمار این کتاب‌ها بالغ بر پنجاه نسخه می‌شود.*

* برخی از این کتاب‌ها عبارتند از: کتاب الجمل، کتاب صفین، کتاب النهروان، کتاب مقتل امیرالمؤمنین علیه السلام، کتاب مقتل حجر بن عدی، کتاب مقتل رشید و میثم و جویره بن مسهره، کتاب الحکمین، کتاب مقتل الحسین علیه السلام، کتاب قیام الحسین علیه السلام، و...

بنیانگذاری نهضت فقه‌پژوهی

در نتیجه آنچه گفته شد، باید پذیرفت که شیعه بنیانگذار دانش فقه‌القرآن به عنوان یک علم مستقل است و این مطلب که برخی، از جمله سیوطی اصرار دارند تا اهل سنت و در رأس آن محمد بن ادریس شافعی (متوفای ۲۰۴ ه. ق) پیشوای مذهب شافعی را پیشگام در این میدان بدانند، سخن درستی نیست. آری شافعی نیز در زمینه آیات الاحکام اثری به جای گذاشته است که به «احکام‌القرآن» شهرت دارد و چون به وسیله احمد بن حسین بیهقی (متوفای ۴۵۸ ه. ق) روایت و تنظیم شده است، به احکام‌القرآن بیهقی نیز شهرت یافته است؛ بنابراین می‌توان گفت: شافعی در میان اهل سنت از پیشگامان دانش فقه‌القرآن است.

جدای از آنچه در آغاز این نهضت علمی گذشت، حرکت فقه‌انقرآنی در کنار دیگر دانش‌های قرآن‌شناسی، از خیزش خوبی برخوردار بوده است؛ چه اینکه در طول زمان، نزدیک به صد اثر گرانبها و ارزشمند به وسیله مفسران فقیه و فقهای مفسر شیعه به بازار دانش قرآن‌پژوهی عرضه شده است. شیخ آقا بزرگ تهرانی در مجموعه ارزشمند «الذریعة الی تصانیف الشیعة» سی اثر از مؤلفان شیعه را نام برده است (تهرانی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۴۰) آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی رحمته الله علیه نیز در مقدمه خود بر کتاب «مسالك الافهام الی آیات الاحکام» ۲۹ اثر از علمای شیعه را بر می‌شمرد (کاظمی، پیشین، ص ۱۳۸).

دکتر عباس ترجمان در مقدمه خود بر کتاب «فقه‌القرآن»، و آیت‌الله محمد یزدی، به نقل از مجله «تراثنا» در بخش «فقه‌القرآن فی التراث الشیعی» ۴۴ اثر را نام می‌برند (یزدی، ۱۳۷۴، مقدمه). اخیراً نیز محمد علی هاشم‌زاده، فهرست جامعی در کتاب‌شناسی آیات الاحکام، بر اساس طبقات تاریخی تهیه کرده است که در آن آثار شیعی نیز به اختصار معرفی شده است (دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴ ش)؛

البته بسیاری از آثار معرفی شده در این چهار اثر متداخل می‌باشند. هر چند همه مفسران جامع‌اند و مفسرانی که تفسیر ترتیبی نگاشته‌اند، در خلال تفسیر به تفسیر آیات فقهی قرآن به این موضوع نیز پرداخته‌اند، لیکن در اینجا سخن از تفسیر آیات الاحکام به صورت مستقل مدّ نظر می‌باشد.

فقه‌پژوهی در دوره‌های مختلف

نهضت فقه‌پژوهی در طول تاریخ خود، با فراز و نشیب‌های زیادی روبرو بوده است که در این کوتاه‌نوشته در قالب گزارش و تحلیل از دوره‌های گوناگون تنها به آن اشاره می‌شود.

۱. دوره حرکت

به نظر می‌رسد قرن چهارم مناسب این نام است؛ چراکه از یک سو قرن دوم زمان بنیانگذاری لقب گرفت و قرن سوم نیز فاقد اثر فقه‌پژوهی است؛ از سوی دیگر عمده فقه‌پژوهی‌های انجام شده از قرن چهارم به بعد پدید آمده است.

بنابراین کاروان فقه‌پژوهی در قرن سوم یا چهارم به حرکت در آمد؛ زیرا ابن ندیم (متوفای ۳۸۵ ه. ق) از دانشمندی به نام علی بن موسی قمی نام می‌برد که دارای آثاری است از جمله «آیات الاحکام» که وی آن را به بزرگی یاد می‌کند؛ همچنین کتاب «بعض ما خالف فیہ الشافعی العراقیین فی احکام القرآن» (ابن ندیم، ۱۳۹۸ ق. ص ۲۹۲). از آنجا که ابن ندیم این دانشمند را نقاد آرای شافعی معرفی می‌کند، به خوبی معلوم می‌شود که این فقیه شیعی در قرن سوم یا چهارم می‌زیسته است؛ اما تاریخ دقیق آن مشخص نیست.

حرکت فقه‌پژوهی با دو اثر تقریباً هم‌زمان در قرن چهارم به حرکت خود ادامه

داد. یکی از آنها «آیات الاحکام» تألیف ابوالحسن عباد بن عباس طالقانی (متوفای ۳۸۵ هـ. ق) است. یاقوت حموی از این کتاب نام برده است و می‌نویسد: «این کتاب بر شیوه اعتزال مشی نموده است و به نحوی است که هر کس آن را ببیند تحسینش می‌کند» (حموی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۷). ظاهراً منظور از اعتزال این است که کتاب با تفکر اشعری‌گری نگاشته نشده است.

کتاب دوم «شرح آیات الاحکام» نوشته فرزند وی، اسماعیل بن عباد (متوفای ۳۸۵ هـ. ق) است که اندکی پس از وفات پدرش درگذشت. آیت‌الله نجفی از این کتاب نام می‌برد و می‌افزاید: مؤلف، موفق به اتمام این کتاب نشده است (کاظمی، ۱۳۶۵ ش، ص ۹).

اسماعیل بن عباد، معروف به صاحب ابن عباد، وزیر ادیب و دانشمند (وزیر مؤیدالدوله) آل بویه بود و پیاپی شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه و برادرش، حسین بن علی بن بابویه ارتباط علمی داشت (طوسی، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۱). وی همچنین اشعاری در مدح امام علی علیه السلام* و کتابی درباره زندگی عبدالعظیم حسنی دارد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ ق، ج ۲، ص ۲۶).

۲. دوره ایستایی

از اواخر قرن چهارم، یعنی دقیقاً از سال ۳۸۵ هـ ق که دو فقه‌القرآن نوپس، چهره در نقاب خاک کشیدند تا اواخر قرن ششم، هیچ اثری پدید نیامد؛ از این رو این دوره دویست ساله را باید دوره ایستایی نخست نامید؛ از نیمه دوم قرن ششم،

* از جمله اشعار وی این بیت زیباست:

ما عبد الاصنام و القوم

سجد

محمد.

لها و هو فی اثر النبی

دوباره پرچم قرآنی به اهتزاز در آمد و در این زمان، یکی از مهم‌ترین کتاب‌های فقه قرآنی شیعه با عنوان «فقه القرآن فی احکام القرآن» نگاشته شد که به دلیل کامل بودن این اثر، در موضوع خود، این زمان را دورهٔ رشد می‌نامیم. این کتاب به دست توانای ابوالحسن سعید بن عبدالله بن الحسین بن هبة الله بن الحسن راوندی، مشهور به «قطب‌الدین راوندی» (متوفای ۵۷۳ ه. ق) تألیف گردیده است.

از آثار علمی قطب‌الدین راوندی روشن می‌شود که این عالم فرزانه، شاعر، ادیب، فقیه، متکلم، فیلسوف و مفسر بزرگ شیعه و از شاگردان امین‌الدین طبرسی مؤلف مجمع‌البیان بوده است. برخی از آثار قرآنی وی غیر از فقه القرآن، عبارت است از: اسباب النزول، الناسخ و المنسوخ، ام القرآن، شرح آیات الاحکام، تفسیر القرآن الکریم در دو مجلد، خلاصه التفاسیر در ده مجلد و شرح الآیات المشکله فی التنزیه (راوندی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۲۰-۲۲). مجموع آثار علمی وی از پنجاه مورد می‌گذرد و این حکایت از آن دارد که یک شخصیت جامع علمی، اقدام به نوشتن کتاب فقه القرآن نموده است.

در انگیزه نوشتن این کتاب، خود قطب راوندی در مقدمهٔ فقه القرآن می‌نویسد: «آنچه باعث شد به تألیف فقه القرآن اقدام نمایم، این بود که از علمای گذشته و حاضر کسی ندیدم که در این زمینه کتاب مستقلی نوشته باشد که همهٔ احکام قرآن را در بر بگیرد».

در همین قرن، اثر دیگری در زمینه فقه القرآن به رشته تحریر در آمد؛ و آن «تفسیر آیات الاحکام» تألیف ابوالحسن محمد بن حسین بیهقی نیشابوری (متوفای ۵۷۶ ه. ق) است. سید محمد عاملی در نهضت المرام از این کتاب نقل مطلب می‌کند (عاملی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۳۹۰). شیخ عباس قمی نیز از این دانشمند این‌گونه یاد می‌کند: «شیخ فقیه، فاضل ماهر، ادیب اریب و بحر

زآخر». او سپس سه کتاب از وی نام می‌برد: یکی «الاصباح فی الفقه»، دوم «انوارالعقول» که حاوی اشعار امیرالمؤمنین علیه السلام است و سوم «شرح نهج البلاغه» (قمی، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۷۴).

مشعل فقه پژوهی که پس از دو قرن خاموشی (دوره خمودی نخستین) در نیمه دوم قرن ششم روشن شده بود، مجدداً در قرن هفتم رو به خاموشی نهاد که آن را دوره «خمودی دوم» می‌نامیم؛ زیرا قرن هفتم و هشتم نیز همانند قرن چهارم تا ششم، زمانه خالی از برنامه فقه پژوهی قرآنی در حوزه شیعی است و دانشمندان عنایتی به این دانش نداشتند؛ لذا در این دو قرن نیز هیچ اثری در زمینه تفسیر آیات الاحکام پا به عرصه وجود نگذاشت.

در اواخر قرن هشتم و شاید اوایل قرن نهم، خیزش مجددی در برنامه فقه پژوهی قرآنی به وجود آمد و کتاب «النهاية فی تفسیر الخمسمائة آية» نگارش یافت. علامه امین در معرفی شیخ فخرالدین احمد بن عبدالله بن سعید بن المتوج البحرانی، وی را معاصر فاضل مقداد سیوری و این کتاب را از تألیفات او می‌داند (امین [بی‌تا]، ج ۳، ص ۱۱). آیت الله مرعشی نیز این کتاب را نوشته فخرالدین احمد بن عبدالله بن سعید بن المتوج البحرانی می‌داند که اندکی بعد از سال ۷۷۱ هجری قمری از دنیا رفته است و او را از شاگردان فخرالمحققین می‌شمارد (کاظمی، ۱۳۶۵ ش. ج ۱، ص ۹)؛ بنابراین استاد و شاگرد، هر دو در یک سال، با فاصله اندک از دنیا رفته‌اند.

آقای بزرگ تهرانی در ابتدای کلام، کتاب آیات الاحکام را با عنوان «النهاية فی تفسیر خمسمائة آية من الآيات القرآنية» از فخرالدین احمد بن عبدالله بن سعید بن المتوج می‌داند. سپس با تعبیر «قدینسب» آن را به پدر، یعنی عبدالله بن سعید المتوج البحرانی نسبت می‌دهد (تهرانی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۴، ص ۴۰۲).

۳. دوره پویایی

از آغاز قرن نهم، نهضت فقه پژوهی قرآنی، روند تکاملی به خود گرفت و از این قرن تا دو سده، هرچند از نظر کمی مانند دیگر قرون، تعداد آثار اندک است، اما به لحاظ کیفی، آثار ارزشمندی پدید آمد. در این قرن کتاب «منهاج الهدایة فی شرح آیات الاحکام الخمسة» نگاشته می‌شود. سید محسن امین این کتاب را تألیف جمال‌الدین احمد بن عبدالله بن محمد بن علی بن الحسین بن المتوج البحرانی (متوفای ۸۲۰ ه. ق) می‌داند و کتاب‌های قرآنی دیگر نیز از جمله «الناسخ و المنسوخ»، «تفسیر القرآن المجید» و تفسیر مختصر دیگری به نام «تفسیر القرآن» را به وی نسبت می‌دهد (امین. [بی‌تا]. ج ۳. ص ۱۴). وی مؤلف این کتاب را از بزرگ‌ترین شاگردان فخرالدین (ابوطالب محمد بن جمال‌الدین، ۶۸۲-۷۷۱ ه. ق) پسر علامه حلی می‌داند. نظر علامه تهرانی نیز همین است (تهرانی. ۱۴۰۳ ق. ج ۲۳. ص ۱۸۱)؛ اما آیت‌الله مرعشی این کتاب را نوشته جمال‌الدین احمد بن عبدالله بن محمد بن الحسن المتوج البحرانی می‌داند که در سال ۸۳۶ هجری قمری درگذشته است. او تصریح می‌کند که این احمد بن عبدالله، غیر از احمد بن عبدالله مؤلف «النهایه» است (کاظمی. ۱۳۶۵ ش. ج ۱. ص ۹).

بنابر نقل علامه امین، مؤلف «منهاج»، احمد بن عبدالله ملقب به جمال‌الدین و جدّ وی محمد بن علی است که بنابر قول آیت‌الله مرعشی، جدّ وی محمد بن الحسن است. آنچه در اینجا مهم است، وجود کتابی با عنوان «منهاج الهدایة» در موضوع فقه القرآن است.

عدد و ارقام آیات الاحکام

تأکید بر عدد پانصد آیه، در بیشتر آثار مربوط به فقه‌القرآن بر پایه عدد مشهور میان فقهاست؛ تا بدان حدّ که این عدد عنوان برخی از آثار فریقین نیز قرار گرفته است؛ زیرا افزون بر دو عنوان پانصدی در این دوران، پیش از آن نیز مقاتل بن سلیمان عنوان «تفسیر الخمسمائة آية فی الاحکام» را برای اثر خود برگزید؛ همچنین فرقه اباضیه نیز عنوان «تفسیر الخمسمائة آية» را بر فقه‌القرآن خود نهادند؛ چنان‌که پس از آن نیز عبدالله بن محمد النجری الیمانی (متوفای ۸۷۷ ه. ق) از فرقه زیدیه، فقه‌القرآن خود را «شافی (شفاء) العلیل فی شرح الخمسمائة آية من التنزیل» نامید؛ با این حال باید توجه داشت که در خصوص تعداد آیات الاحکام، دیدگاه‌های دیگری نیز وجود دارد؛ از جمله عبدالله بن مبارک، بر این عقیده است که نهصد آیه از قرآن، آیات الاحکام است (ایازی، ۱۳۸۰ ش، ص ۱۲۱). محمد بن عبدالله بن العربی از احکام‌القرآن‌نویسان مالکی‌مذهب نیز این عدد از آیات را تفسیر می‌کند؛ چه بسا بزرگ‌ترین رقم درباره آیات الاحکام، رقم دو هزار به بالاست که می‌توان در «لجامع لأحكام القرآن» قرطبی یافت؛ چنان‌که کمتر از پانصد نیز گفته‌اند؛ از جمله شیخ محمد خضری بک معتقد است: آیات الاحکام به بیش از سیصد آیه نمی‌رسد (همان). سیوطی و شیخ طنطاوی تنها یکصد و پنجاه آیه را در رابطه با احکام می‌دانند (سیوطی، ۱۴۱۶ ق. ج ۲، ص ۱۶۵ / طنطاوی جوهری، ۱۴۱۲ ق. ج ۱، ص ۳). با این همه به نظر می‌رسد آنچه در این زمینه، به حقیقت نزدیک‌تر است. عددی بین نهصد تا یک‌هزار است که از مرور در آیات به دست می‌آید.

راز این تفاوت فاحش، در آمار آیات فقهی ممکن است این باشد که برخی با قطع نظر از تکرار، عددی را گفته‌اند یا اینکه برخی با توجه به عنوان حکم، عدد را مطرح نموده‌اند که طبیعتاً عدد کوچکی است و چه بسا برخی به آیات صریح و غیر

صریح توجه کرده‌اند و به عدد بزرگ‌تری دست یافته‌اند. این احتمال نیز وجود دارد که اعداد بزرگ، ناشی از نوع بینش به آیات الاحکام باشد که خواسته‌اند از برخی آیه‌های به ظاهر غیر آیات الاحکام مثل آیات الأمثال و آیات القصص و آیات القسَم و جز آن نیز استفاده فقهی کنند.

در همین قرن نهم، یکی از مهم‌ترین آثار فقه‌القرآنی شیعه به نام «کنزالعرفان فی فقه القرآن» پدید آمد. مؤلف این اثر، جمال‌الدین ابوعبدالله المقداد بن عبدالله بن محمد بن الحسین بن محمد السیوری الحلی، معروف به «فاضل مقداد» (متوفای ۸۲۶ ه. ق) است. وی از شاگردان محمد بن مکی، معروف به شهید اول بوده است و دارای آثار فقهی، کلامی و قرآنی، ادبی، ادعیه و حدیث می‌باشد که برخی از آنها عبارتند از: التنفیح الرائع فی شرح مختصر الشرایع، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، نضد القواعد الفقهیه، تفسیر مغمضات القرآن و نیز کنزالعرفان. این فقیه مفسر، ابواب کتاب را بر اساس ابواب فقه تنظیم کرده است. اثر دیگری که در قرن نهم نگاشته شد، «آیات الاحکام» است که به وسیله شیخ ناصر بن جمال‌الدین... بن متوج البحرانی (متوفای حدود ۸۶۰ ه. ق) تألیف گردید (کاظمی، ۱۳۶۵ ش، ج ۱، ص ۱۰). نویسنده أمل‌الآمل از وی به عنوان صاحب ذهن وقاد (خوش استعداد)، فاضل، محقق، فقیه و حافظ یاد می‌کند (حر عاملی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۳۳۳).

در انتهای این قرن، کتاب «معارض السؤل و مدارج المأمول فی تفسیر آیات الاحکام»، تألیف شیخ کمال‌الدین، حسن بن شمس‌الدین محمد بن حسن استرآبادی پا به عرصه وجود نهاد (کاظمی، ۱۳۶۵ ش، ج ۱، ص ۱۰). آقابزرگ در جایی دیگر از این کتاب با نام «الباب فی التفسیر» و «تفسیر اللباب» نیز یاد می‌کند (تهرانی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۸، ص ۲۸۰).

در ادامه این دوره، در قرن دهم نیز آثار بی‌شماری در حوزه فقه‌القرآن پدید آمد؛ از جمله «تفسیر آیات الاحکام» تألیف شیخ شرف‌الدین شهفینگی یا شیفتگی (متوفای ۹۰۷ ه. ق) (کاظمی، پیشین)؛ همچنین کتاب «محجة البیضاء و الحجة الغراء». به گفته آقابزرگ تهرانی در این کتاب، فروع شریعت و حدیث و تفسیر آیات فقهی قرآن گردآوری شده است (تهرانی، ۱۴۰۳ ق. ج ۲۰، ص ۱۴۵). «آیات الاحکام» (تفسیر شاهی) نیز از این دست آثار است که سید امیرابوالفتح بن میرزا مخدوم حسینی اعریشاهی گرگانی (متوفای ۹۷۶ ه. ق) آن را به زبان فارسی تألیف کرده است. آقابزرگ تهرانی می‌افزاید: مؤلف، این کتاب را به نام شاه طهماسب نگاشته است (همان، ج ۱، ص ۴۱)؛ از این رو به نام «تفسیر شاهی» شهرت یافته است. این کتاب در سال ۱۳۶۲ هجری شمسی توسط انتشارات «نوید تهران» همراه با «توضیح آیات الاحکام» نوشته میرزا ولی‌الله اشراقی سرابی به چاپ رسیده است. کتاب دیگر «آیات الاحکام» تألیف شیخ محمد بن حسن طبسی است (تهرانی، همان). مؤلف، کتاب دیگری به نام «زبدة البیان فی آیات قصص القرآن» نیز در سال ۱۰۸۳ (ه. ق) نگاشته است.

در این قرن، همچنین یکی از مهم‌ترین اثر فقه‌القرآنی، یعنی «زبدة البیان فی براهین احکام القرآن» نگارش یافت. این کتاب تألیف عالم ربانی، مولی احمد بن محمد معروف به مقدس اردبیلی (متوفای ۹۹۳ ه. ق) است. وی علاوه بر این اثر، صاحب آثار بی‌شماری در فقه و کلام و تفسیر است که برخی از آنها عبارت است از: مجمع الفائدة و البرهان در فقه؛ حدیقة الشیعه فی تفصیل احوال النبی و الائمة علیهم السلام در تاریخ؛ اثبات الواجب، اثبات الامامة در عقاید (امین، بی‌تا، ج ۳، ص ۸۲)؛ جالب آنکه بر این کتاب، بیش از ده حاشیه و تعلیقه در طول قرن‌های یازده و دوازده نگاشته شده است.

در این قرن، چند اثر دیگر به رشته تحریر در آمد که یکی از آنها «آیات الاحکام»، تألیف شجاع‌الدین محمود بن علی حسینی مرعشی - از معاصران شاه طهماسب اول و از شاگردان محقق کرکی - است (کاظمی. ۱۳۶۵ ش. ج ۱، ص ۱۰). آقای عمید نیز از کتابی با عنوان «آیات الاحکام» نوشته میرزا محمد بن علی حسین استرآبادی (متوفای ۱۰۲۶ ه. ق) نام می‌برد (عمید زنجانی، ۱۳۸۲ ش. ص ۲۳) که احتمالاً منظور ایشان همین کتاب باشد؛ ونی چون آقای عمید از شخص دیگری با مشخصات شجاع‌الدین محمود نام می‌برد، احتمال دارد اینها دو نفر باشند؛ همچنین کتاب «معدن العرفان فی فقه مجمع البیان لعلوم القرآن» نیز از دیگر آثار این دسته است که شیخ ابراهیم بن حسن دراق یا وزاق، از علمای اوایل قرن ده نگاشته است (یزدی. ۱۳۷۴ ش. ج ۱، ص ۹). بنابر نقل، نسخه خطی این اثر، در دانشگاه لس آنجلس آمریکا موجود است (دفتر تبلیغات اسلامی. ۱۳۷۴ ش. ص ۱۷۶).

۴. دوره شکوفایی

این دوره از قرن یازدهم و با تعلیقه نویسی بر «زبده البیان» با عنوان «التعلیقه علی زبده البیان فی احکام القرآن» آغاز می‌شود. این اثر به وسیله امیر فیض‌الله بن عبدالقاهر حسینی تفرشی نجفی (متوفای ۱۰۲۵ ه. ق) پدید آمد. پس از آن، کتابی با عنوان «شرح آیات الاحکام فی تفسیر کلام الله الملك العلام» به وسیله محمد بن علی بن ابراهیم استرآبادی، معروف به میرزا محمد (متوفای ۱۰۲۸ ه. ق) نوشته شد. این کتاب همراه با «تعلیقات» محمد باقر شریف زاده توسط مکتبه المعراجی به چاپ رسیده است.

کتاب «مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین» تألیف بهاء‌الدین محمد بن الحسین بن عبدالصمد، معروف به شیخ بهائی (متوفای ۱۰۳۰ ه. ق) از دیگر آثار این

دوره است (یزدی. ۱۳۷۴ ش. ج ۱. ص ۱۰). امین و آقابزرگ تهرانی از این کتاب به نام «مجمع‌النورین و مطلع‌النیران» نیز یاد می‌کنند و می‌افزایند: در این کتاب تنها بحث طهارت وجود دارد و در تفسیر آیات، از احادیث بهره گرفته است (امین. بی‌تا. ج ۹. ص ۲۴۴ / تهرانی. ۱۴۰۳ ق. ج ۲۱. ص ۵۰). گفتنی است شیخ بهائی از سرآمدان روزگار خویش است و نزدیک به شصت اثر در موضوعات مختلف اسلامی و علمی از جمله تفسیر، حدیث، درایه، رجال، فقه، اصول، تاریخ، حساب، هیأت، ادبیات و شعر از او به یادگار مانده است که در مباحث قرآنی، افزون بر آیات الأحکام مذکور، می‌توان به «العروة الوثقی فی تفسیر القرآن»، و «عین الحیة» و حاشیه بر تفسیر بیضاوی و نیز حاشیه بر تفسیر کشاف اشاره نمود (امین. بی‌تا. ج ۹. ص ۲۴۴)؛ چه‌اینکه این از خصائص علمای جامع است که در زمینه‌های مختلف قلم می‌زنند.

از سوی دیگر «تفسیر آیات الاحکام» تألیف میرزا رفیع‌الدین محمد حسین مرعشی (متوفای ۱۰۳۴ ه. ق) و «تفسیر القطب‌شاهی فی شرح آیات الاحکام»، تألیف محمد یزدی معروف به شاه قاضی (متوفای حدود ۱۰۴۰ ه. ق) که برای سلطان محمد قطب‌شاه نگارش یافته است (کاظمی. ۱۳۶۵ ش. ج ۱. ص ۱۱) از دیگر تألیفات فقه‌القرآنی این قرن است.

کتاب آیات الاحکام در موضوع «صیام» با عنوان «امانة اللثام عن الآیات الواردة فی الصیام» نگارش یکی از علمای اواسط همین قرن است. به گفته آقابزرگ تهرانی نگارش این کتاب - که بدون ذکر مؤلف است - به شاه صفی صفوی اهدا شده است و دارای صبغه روایی نیز بوده است که خود نویسنده در سال ۱۰۴۶ ه. ق آن را به فارسی ترجمه کرده است (تهرانی. ۱۴۰۳ ق. ج ۲. ص ۳۰۴).

در این قرن، یکی دیگر از آثار مهم در حوزه فقه پژوهی قرآنی پا به عرصه وجود گذاشت. این کتاب با عنوان «مسالك الافهام الى آيات الاحكام» تألیف ابو عبد الله، محمد الجواد، شمس الدین کاظمی، مشهور به «فاضل جواد» متوفای اواسط قرن یازدهم هجری است. وی شاگرد شیخ بهائی بوده و در اصول، حساب، نجوم، نحو، فقه، رجال، عرفان و تفسیر، دارای آثاری ارزشمند است (کاظمی. ۱۳۶۵ ش. ج ۱، ص ۱۴).

از چهار کتاب: فقه القرآن راوندی، کنز العرفان فاضل مقداد، زبدة البیان مقدس اردبیلی و مسالك الافهام کاظمی، می توان به عنوان کتب اربعه فقه القرآن یاد نمود.

در این قرن، همچنین کتاب «فتح ابواب الجنان فی تفسیر آیات الاحکام»، تألیف محمد بن الحسین عاملی (متوفای ۱۰۸۰ ه. ق) به بازار دانش فقه القرآن عرضه گردید (همان. ص ۱۱)؛ افزون بر آن کتاب «آیات الاحکام الفقهیه» کتابی است به زبان فارسی از مولی ملک علی تونی که در سال ۱۰۹۸ ه. ق) به نام شاه سلیمان صفوی نوشته شده است.

اثر دیگر این دوره «مفاتیح الاحکام فی شرح آیات الاحکام القرآنیة» تألیف محمد سعید بن سراج الدین طباطبایی قهپایی (متوفای ۱۰۹۲ ه. ق) است (اردبیلی. ۱۴۰۳ ق. ج ۲، ص ۱۱۸ / تهرانی، ۱۴۰۳ ق. ج ۲۱، ص ۲۹۸). این اثر شرحی است بر زبدة البیان مقدس اردبیلی که در همین قرن، توسط سید فضل الله استرآبادی از شاگردان مقدس اردبیلی - که طبعاً از علمای قرن یازدهم به حساب می آید - نوشته شد؛ همچنین کتاب «احکام القرآن» تألیف آقا حسین خوانساری (متوفای ۱۱۰۰ ه. ق) را هم باید به این جمع افزود که در اواخر قرن نگاشته شد (اردبیلی.

۵. دوره رکود

منظور از رکود این نیست که اربابۀ فقه‌پژوهی قرآنی به کلی از حرکت باز ایستاد، بلکه منظور این است که اثر قابل توجهی با «شیوه استدلالی» عرضه نشد. این دوره از اواخر قرن یازدهم شروع می‌شود و تا اواخر قرن سیزدهم به مدت تقریبی دو قرن ادامه می‌یابد. این دوره که عصر رویکرد دوباره به اخباری‌گری است و مجموعه‌های روایی عظیم شیعی در آن رخ می‌نماید، بسیاری از شعب علوم اسلامی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در همین زمان است که «واقی» ملامحسن فیض کاشانی (متوفای ۱۰۹۱ ه. ق.)، «وسائل الشیعة» شیخ حرّ عاملی (متوفای ۱۱۰۴ ه. ق.) و «بحار الانوار» محمدباقر مجلسی (متوفای ۱۱۱۱ ه. ق.) و «العوالم» شیخ عبدالله بحرانی (متوفای ۱۱۳۰ ه. ق.) پا به عرصه وجود می‌گذارند و مسیر بسیاری از علوم را به سمت روایی شدن سوق می‌دهند؛ همچنین در پی آن، تفاسیر روایی‌ای چون تفسیر «الصافی» فیض کاشانی، «البرهان فی تفسیر القرآن» سیدهاشم بحرانی (متوفای ۱۱۰۷ ه. ق.) و «نور الثقلین» محدّث حویزی (متوفای ۱۱۱۲ ه. ق.) و «تفسیر کنزالدقائق» مشهدی قمی و ده‌ها تفسیر روایی دیگر ظهور می‌نماید و تقریباً هیچ تفسیر عقلی و اجتهادی‌ای جلوه نمی‌کند.

فقه نیز در این دوره به سمت روایی شدن سوق یافت و آثار چنانچه «النخبة المحسنیة» فیض کاشانی و شرح آن، یعنی «التحفة السنیة» سیدعبدالله جزائری، «حدائق الناظرة» شیخ یوسف بحرانی (متوفای ۱۱۷۶ ه. ق.) به حوزه علمی شیعه عرضه می‌گردد. این رویکرد بر فقه‌پژوهی قرآن نیز تأثیر گذاشت و تفسیر آیات الاحکام را یا به صورت تعلیقه در آورد و یا با صبغة روایتی و اخباری‌گری پدیدار کرد.

در این دوره، ابتدا نورالدین بن نورالدین شوشتری (متوفای ۱۰۱۹ ه. ق) «حاشیه علی کنزالعرفان» را نوشت (تهرانی، ۱۴۰۳ ق. ج ۶. ص ۹)؛ پس از وی، میر فضل‌الله استرآبادی (متوفای ۱۰۴۱ ه. ق) «حاشیه علی زیادة البیان» را به رشته تحریر درآورد (عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۲ ش. ص ۵۲۰ و ۵۶۶) بعد از وی، سید نعمت‌الله جزائری (متوفای سال ۱۱۱۲ ه. ق) که عنایت زیادی به اخبار داشت، کتاب «التعلیقة علی زیادة البیان» را نگاشت؛ همچنین به دنبال آن سلیمان بن عبدالله بن علی بحرانی ماحوزی، معروف به محقق بحرانی (متوفای ۱۱۲۲ ه. ق) کتاب «التعلیقة علی مشرق الشمسین» را نوشت (یزدی، ۱۳۷۴ ش. ج ۱، ص ۱۱). نکته آنکه ماحوزی یکی از محدثان نامدار بحرین بود و به گفته شاگردش، شیخ عبدالله بن صالح بحرانی، بیشتر علومش در حدیث، رجال و تاریخ بوده است (ماحوزی بحرانی، ۱۴۱۷ ق. ص ۵).

در دهه سوم قرن دوازدهم، تعلیقات دیگری نیز نوشته شد که از جمله آن، یکی علامه محمد بن عبدالفتاح، مشهور به سراب‌تنکابنی (متوفای ۱۱۲۴ ه. ق) بود که کتابی را با عنوان «التعلیقة علی زیادة البیان فی احکام القرآن» به رشته تحریر درآورد (یزدی، پیشین)* و دیگری از علامه میرزا عبدالله بن عیسی تبریزی اصفهانی، مشهور به افندی (متوفای حدود ۱۱۳۰ ه. ق) که کتاب «التعلیقة علی مسالک الافهام الی آیات الاحکام» را نگاشت (اردبیلی، ۱۳۷۸ ش. ص ۷ / یزدی، پیشین). در اواسط قرن یازدهم نیز «التعلیقة علی زیادة البیان فی احکام القرآن» به وسیله امیربهاء‌الدین محمد بن امیر محمد باقر مختاری حسینی نائینی سبزواری (متوفای ۱۱۳۰ یا ۱۱۴۰ ه. ق) نگارش یافت.

* در این زمان از دو کتاب با عنوان «احکام القرآن»، یکی تألیف میر محمد صالح خانون آبادی (متوفای ۱۱۳۰ ه. ق) و دیگری نوشته شیخ جعفر قاضی (متوفای ۱۱۱۵ ه. ق) نیز یاد شده است (دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴ ش. ص ۱۷۸).

آقابزرگ تهرانی از کتابی در زمینه فقه‌القرآن با عنوان «آیات الاحکام» نام می‌برد که در آن، آیات فقهی قرآن بدون شرح و تفسیر مرتب شده است و نادرشاه در سیال ۱۱۴۵ (ه. ق) آن را وقف کتابخانه رضوی نموده است (تهرانی، ۱۴۰۳ ق. ج ۱، ص ۴۱). برخی از فضیله‌های معاصر از این کتاب به اعتبار نام واقف، به «تفسیر آیات الاحکام نادری» تعبیر نموده‌اند (عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۲ ش. ص ۶۷۴). در ربع آخر قرن دوازدهم، «التعلیقه علی مشرق الشمسین»، به قلم اسماعیل بن محمد حسین مازندرانی، مشهور به خاجویی (متوفای ۱۱۷۳ یا ۱۱۷۷ ه. ق) به جمع قافله فقه‌القرآن پیوست (اردبیلی، ۱۳۷۸ ش. ص ۸). آقای استادی نیز یک «التعلیقه» دیگر را که در قرن دوازدهم بر زبده‌الپیان نگاشته شده نام می‌برد و آن را به محمد رفیع جیلانی نسبت می‌دهد.

اثر دیگری که در این دوره در زمینه فقه‌القرآن نگاشته شده است و غالباً با صبغة روایی است، عبارت است از: «ایناس سلطان المؤمنین باقتباس علوم‌الدین من النبراس المعجز المبین» تألیف سید محمد عاملی مکی (متوفای ۱۱۳۹ ه. ق) (تهرانی، ۱۴۰۳ ق. ج ۲، ص ۴۱). آقای مرعشی در ذیل عنوان کتاب، این جمله را می‌افزاید: «فی تفسیر الآیات القرآنیة التي هی الأحکام الأصلية و الفرعية» (کاظمی، ۱۳۶۵ ش. ج ۱، ص ۱۱). اعجاز حسین می‌نویسد: تفسیر آیات الاحکام سید محمد حیدر بر تسلط و گستره علمی وی بر مذاهب عامه و خاصه و تحقیق آرای آنها گواهی می‌دهد؛ چراکه مشتمل بر همه علوم است. وی این کتاب را برای شاه سلطان حسین نوشته است (اعجاز حسین، ۱۴۰۹ ق. ص ۱۲۶). باید توجه داشت که ظاهراً این اولین کتابی است که به صورت مقارن و به این شکل تألیف شده است.

دیگر آثار فقه‌القرآنی که در این دوره با صبغة روایی پدیدار شد، «تفسیر آیات الاحکام» تألیف شیخ احمد بن اسماعیل جزائری (متوفای ۱۱۵۱ ه. ق) است. اعجاز حسین درباره این کتاب می‌نویسد: مؤلف در این کتاب به روایات تمسک نموده است که در نوع خود بی‌نظیر و نفیس است (همان). آیت‌الله نجفی مرعشی از این اثر به نام «قلاند الدرر فی بیان آیات الاحکام بالاثر» یاد می‌کند و می‌افزاید: این کتاب بسیار سودمند است که در ذیل هر آیه، اخبار ائمه علیهم‌السلام را با بحث و تحقیق می‌آورد (کاظمی، ۱۳۶۵ ش. ج ۱. ص ۱۲). کتاب «تحصیل الاطمینان فی شرح زبدة البیان فی احکام القرآن» نوشته امیر محمد ابراهیم بن امیر معصوم قزوینی، معروف به قاضی محمد ابراهیم (متوفای ۱۱۶۰ ه. ق)* دیگر اثر فقه‌القرآنی این دوره است. این تفسیر به زبان فارسی و شبیه تفسیر ابوالفتح رازی می‌باشد (تهرانی، ۱۴۰۳ ق. ج ۴. ص ۲۳۹).

در اواخر همین قرن، سید شمس‌الدین محمد حسینی مرعشی (متوفای ۱۱۸۱ ه. ق) کتابی با عنوان «آیات الاحکام» نوشت؛ همچنین مولی محمد کاظم طبرسی (متوفای ۱۱۹۰ ه. ق) نیز «آیات الاحکام» را به رشته تحریر در آورد (دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴ ش. ص ۱۷۹). در انتهای این قرن، کتاب دیگری با عنوان «نمط الدرر» به وسیله محمد بن الحسن الخراسانی (متوفای ۱۲۰۰ ه. ق) نگارش یافت (همان) و پس از آن، حرکت فقه‌پژوهی به مدت تقریبی نیم قرن گُند، بلکه به کلی متوقف گردید.

* آیت‌الله نجفی مرعشی سال وفات وی را ۱۱۴۹ (ه. ق) می‌داند (کاظمی، ۱۳۶۵ ش. ج ۱. ص ۱۲).

۶. دوره بازگشت

پس از فراز و نشیب نسبتاً طولانی و خمودگی‌ای که در طول دو قرن یازدهم و دوازدهم متوجه حرکت فقه‌پژوهی گردید، از اواسط قرن سیزدهم، دوباره خیزش و شتاب لازم را باز یافت و اولین اثر، به وسیله سید محمد ابراهیم حسینی مرعشی (متوفای ۱۲۴۰ ه. ق) با عنوان «آیات الاحکام» نوشته شد (همان).

پس از آن، کتاب «تقریب الافهام فی تفسیر آیات الاحکام»، به دست سید محمد قلی بن محمد حسین بن حامد حسین نیشابوری (متوفای ۱۲۶۰ ه. ق) به زبان فارسی تألیف و وارد بازار فقه‌پژوهی گردید (اعجاز حسین. ۱۴۰۹ ق. ص ۱۲۷ / تهرانی. ۱۴۰۳ ق. ج ۴، ص ۳۶۶). گفتنی است نویسنده این اثر، پدر اعجاز حسین، صاحب کتاب «کشف الحجب عن اسماء المؤلفات و الکتب» است.

بعد از آن، کتاب «دلایل المرام فی تفسیر آیات الاحکام» توسط محمد جعفر بن سیف‌الدین استرآبادی مشهور به شریعتمدار (متوفای ۱۲۶۳ ه. ق) نگاشته شد (کاظمی. ۱۳۶۵ ش. ج ۱، ص ۱۲). دو اثر دیگر نیز در اواخر این قرن نگاشته شد: یکی کتاب «کنز العرفان فی تفسیر القرآن» است که در آن، پس از مباحث تفسیری و قرائی به احکام فقهی آیات بر اساس مذاهب اربعه و اثبات حقانیت فقه جعفری می‌پردازد (مؤسسه دائرة الفقه الاسلامی، ۱۴۲۴ ق. ج ۲، ص ۵۰۳) و دیگری کتاب «الوجیز فی تفسیر آیات الاحکام» که به وسیله عبدالحسین بن ابراهیم مخزومی (متوفای ۱۲۷۹ ه. ق) به رشته تحریر در آمد (دفتر تبلیغات اسلامی، پیشین. به نقل از: معجم المفسرین. ج ۶. ص ۱۱).

در اوایل قرن چهاردهم، علی بن ملا محمد جعفر استرآبادی، معروف به شریعتمدار (متوفای ۱۳۱۵ ه. ق) چند کتاب در زمینه فقه القرآن نوشت: یکی کتاب «نثر الدرر الایتام فی شرح الآیات الاحکام» که نسبتاً مبسوط است؛ دوم

«الدرر الایتام فی تفسیر آیات الاحکام» (کاظمی، ۱۳۶۵ ش. ج ۱، ص ۱۲). تهرانی از این کتاب با عنوان «انموذج فی تفسیر آیات الاحکام» یاد می‌کند و می‌افزاید: آن را از «نثر الدرر» استخراج نموده است (تهرانی، ۱۴۰۳ ق. ج ۸، ص ۱۱۹). ایشان از کتاب سومی از وی به نام «کنز دُرر الاحکام» یاد می‌کند که در حقیقت شرحی بر دُرر الاحکام است (همان، ج ۱۸، ص ۱۵۳).

در همان زمان، کتابی با عنوان «احکام القرآن» به وسیله نسید شرف‌الدین علی حسینی مرعشی (متوفای ۱۳۱۶ ه. ق) نوشته می‌شود (دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴ ش. ص ۱۸۰)؛ همچنین کتاب «احکام قرآن» نوشته غلامرضا امیری کرمانشاهی از دیگر کتبی است که در این زمینه و در سال ۱۳۶۹ (ه. ق) نگاشته شده است (عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۲ ش. صص ۸۲۷ و ۱۰۷۴).

در ادامه این دوره، عبدعلی بن ابی‌القاسم الموسوی (متوفای ۱۳۳۶ ه. ق) کتاب «لَبَّ الْأَلْبَابِ فِي تَفْسِيرِ أَحْكَامِ الْكِتَابِ» را می‌نویسد (تهرانی، ج ۱۸، ص ۲۸۳). این نویسنده کتابی به نام «المقاليد الجعفرية في القواعد الفقهية» نیز دارد.

در این زمان، محمدعلی، مشهور به شیخ حمزه علی فشنندی (متوفای ۱۳۳۸ ه. ق) «آیات الاحکام» را نوشت؛ همچنین یکی دیگر از کتاب‌هایی که در زمینه فقه القرآن در این عصر ظهور یافت، کتاب «موضوع آیات الاحکام» تألیف محمد بن فضل‌الله موسوی ساروی معروف به ثقة‌الاسلام (متوفای ۱۳۴۲ ه. ق) است (کاظمی، ۱۳۶۵ ش. ج ۱، ص ۱۳).

کتاب «مقلاد الرشاد فی شرح آیات الاحکام» تألیف مولی محمد مهدی بناپی (متوفای حدود ۱۳۴۵ ه. ق) کتاب دیگری است که در این زمینه و در این زمان نوشته شده است (کاظمی، پیشین). وی از جمله کسانی است که به آیت‌الله مرعشی اجازه روایت داده است.

در همین زمان، کتاب «الجمان الحسان فی احکام القرآن» توسط سید محمود موسوی دهرسخی اصفهانی (متولد سال ۱۳۴۵ ه. ق) به رشته تحریر درآمد (ازبیلی. ۱۳۷۸ ش. ص ۷). در همین دهه، محمد باقر بن محمد حسن قائنی (متوفای ۱۳۵۲ ه. ق) کتاب «آیات الاحکام» را تألیف نمود (کاظمی. پیشین). وی نیز از جمله کسانی است که به آیت الله مرعشی اجازه روایت داده است. کتاب الکبریت الاحمر - که از شهرت خاصی برخوردار است - از این نویسنده می‌باشد (تهرانی. ۱۴۰۳ ق. ج ۱. ص ۴۳ / عمید. ۱۳۸۲ ش. ص ۳۳)؛ همچنین در ادامه، سید ابوتراب خوانساری (متوفای ۱۳۴۶ ه. ق) کتاب «لب اللباب فی تفسیر آیات الاحکام» را نوشت (یزدی. ۱۳۷۴ ش. ج ۱. ص ۱۲).

در نیمه دوم قرن چهاردهم، کتابی با عنوان «آیات الاحکام» - که طرز دادرسی و مسئولیت کیفری در حقوق اسلام را بیان می‌کند - توسط ابراهیم خجسته نوشته شد که در سال ۱۳۲۸ شمسی در رشت به چاپ رسید (دفتر تبلیغات اسلامی. ۱۳۷۴ ش. ص ۱۸۱). در همین زمان، کتابی با عنوان «آیات الاحکام» به وسیله سید محمد ابراهیم حسینی اصفهانی (متوفای ۱۳۷۷ ه. ق) تألیف گردید (همان. ص ۱۸۰)؛ همچنین در ادامه، اولین اثر تقریبی در زمینه فقه القرآن با عنوان «تفسیر آیات الاحکام وفق المذهب الجعفری و المذاهب الاربعه» به وسیله سید آقا حسین طباطبایی یزدی، از نوادگان سید محمد کاظم یزدی صاحب عروه (متوفای ۱۳۸۶ ه. ق) پا به عرصه وجود گذاشت (ازبیلی. ۱۳۷۸ ش. ص ۷).

در همین زمان، سید یحیی یزدی (متوفای ۱۳۸۶ ه. ق) کتاب «آیات الاحکام» را تألیف نمود (دفتر تبلیغات اسلامی. پیشین). در انتهای این دوره، دو کتاب دیگر ظاهر شد: یکی کتاب «آیات الاحکام» شیخ خلف آل عصفور، در اواخر قرن چهاردهم (همان) و دیگری «آیات الاحکام» شیخ اسماعیل بن علی تقی ارومی تبریزی، از علمای قرن چهاردهم (ازبیلی. پیشین / یزدی. ۱۳۷۴ ش. ج ۱. ص ۱۱).

کتاب «اقصى البيان في آيات الاحكام و فقه القرآن»، تأليف مسعود سلطانی آذربایجانی (متوفای ۱۴۱۰ ه. ق) در دو مجلد، از دیگر کتب این دوره است (عقیقی بخشایشی. ۱۳۸۲ ش. ص ۱۱۷۶).

در یک جمع‌بندی باید گفت: در طول دوازده قرن، یعنی از آغاز قرن سوم تا پایان قرن چهاردهم، بالغ بر هفتاد اثر، اعم از متن، شرح و تعلیقه در حوزه فقه القرآن نگاشته شده است.

۷. دوره رشد و رویش

قرن پانزدهم در حقیقت سرآغاز تحول جدی در فقه پژوهی قرآنی است که هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی دارای رشد و تحولات گوناگون می‌باشد؛ گرچه به لحاظ بنیة علمی اندک، دچار تنزل شده است. تحول در این دوره عبارتند از:

۷-۱. فهرست‌نگاری: بی‌تردید سهولت در بهره‌گیری از منابع هر دانش، مرهون جستجوی آسان و سریع در قرآن و کتاب‌های مربوط به آن دانش است؛ و این مهم در قالب فهرست‌نگاری و نمایه‌سازی میسر خواهد بود؛ از این رو می‌طلبد در کنار همه خدمات علمی‌ای که صورت می‌گیرد، به این مهم نیز توجه شود. برخی از آثاری که به نوعی به این مهم پرداخته‌اند، عبارتند از: «فرهنگ آیات فقهی قرآن کریم بر اساس موضوعات فقهی» که به وسیله محمد اراکی تهیه و تنظیم شده و در سال ۱۳۸۳ شمسی توسط انتشارات اسوه به چاپ رسیده است. «ادوار فقه» نوشته محمود شهابی که در حقیقت طبقه‌بندی آیات فقهی قرآن، بر اساس کنز‌العرفان فاضل مقداد است. «آیات الاحکام فی تراث الامام الخمينی» گردآوری عباس فیضی‌نسب که توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی در سال ۱۳۸۴ منتشر شده است و نیز کتاب «الانظار التفسیریة للشیخ الانصاری» که توسط مرکز

فرهنگ و معارف اسلامی در سال ۱۳۷۶ تدوین و به چاپ رسیده است؛ همچنین «آیات الاحکام»، سید محمدرضا غیاثی کرمانی نیز از این دست آثار است که به گفته نویسنده با انگیزه حفظ موضوعی و بر اساس «آیات الاحکام» (تفسیر شاهی) تألیف سید امیرابوالفتح بن میرزا مخدوم حسینی عربشاهی تهیه و تنظیم شده است.

۷-۲. رویکرد موضوعی: برای رسیدن به نگاهی جامع و نهایی درباره یک موضوع، تمرکز بر آن و پرهیز از پراکندگی، از جمله اموری است که نمی‌توان به سادگی انکار نمود؛ به خصوص در روزگار حاضر که باید برای سؤالات و شبهات و پرسش‌ها، پاسخ‌یابی نمود؛ از این رو پرداختن به مسائل به صورت موضوعی، در دستور کار بسیاری از ارباب فن قرار گرفته است. از جمله آثاری که در این زمینه نوشته شده است، می‌توان به این کتاب‌ها اشاره نمود: «درآمدی بر مبانی نظری آیات الاحکام» نوشته سید محمدعلی ایازی که در سال ۱۳۸۰ چاپ و توزیع شده است. درباره این اثر می‌توان گفت: بی‌شک یکی از مهم‌ترین موضوعات در حوزه فقه پژوهی، تبیین مبانی آن است که این کتاب متکفل این مهم می‌باشد. کتاب «درس‌هایی از آیات الاحکام» نوشته داریوش زرگری مرتدی، در موضوع معاملات و عقود نیز از این دست آثار می‌باشد که در سال ۱۳۸۰ توسط دانشگاه آزاد اسلامی زنجان به چاپ رسیده است؛ همچنین «آیات الاحکام» در موضوع حقوق مدنی و جزایی، نوشته محمدعلی آقایی که در سال ۱۳۸۰ به چاپ رسیده است و «آیات الاحکام حقوقی» نوشته اسدالله لطفی؛ این کتاب در دوازده فصل، عقود و ایقاعات را مورد بررسی قرار داده است و در سال ۱۳۸۱ توسط انتشارات نور علم به چاپ رسیده است.

افزون بر آن «آیات الاحکام» نوشته عباس‌علی عمید زنجان‌ی که مؤسسه

مطالعات و تحقیقات علوم اسلامی در سال ۱۳۸۲ آن را منتشر کرده است، از دیگر آثار این حوزه است. این کتاب دارای یک مقدمه تمهیدی و شش بخش است که به مباحث حقوقی پرداخته است؛ همچنین «احکام القرآن» نوشته محمدباقر بهبودی که تنها به بحث «ارث» و «ربا» پرداخته است نیز از جمله آثار موضوعی این عرصه است. این کتاب توسط نشر معراجی در تهران به چاپ رسیده است.

۷-۳. گرایش تطبیقی: با توجه به اهتمام فریقین در برداشت احکام از اصیل ترین و اصلی ترین منبع استنباط احکام - که آثار بی شمار آنها گواه این مدعا است - ضروری می نمود تا این دانش دو سویه فقهی و تفسیری، به صورت مقارن و از دو دیدگاه شیعی و سنی مورد بررسی قرار گیرد. این مهم ابتدا به وسیله محمدهادی آل راضی آغاز شد و کتاب «آیات الاحکام / دروس فی آیات الاحکام» که به صورت دروس مقارن تدوین و پیوسته به طلاب آموزش داده شده است، به همین منظور نوشته شده است. پس از آن، «تفسیر آیات الاحکام مقارن» به عنوان یکی از مواد درسی مرکز جهانی علوم اسلامی قرار گرفت و در پی آن کتاب «فقه القرآن / آیات الاحکام تطبیقی» به وسیله نگارنده، تدوین و در سال ۱۳۸۳ به وسیله مرکز تهیه و تدوین متون مرکز جهانی منتشر گردید.

۷-۴. ورود به مراکز علمی: دانش فقه القرآن همواره در حوزه های علمی حضور داشته و دارد و این امری طبیعی است. با تأسیس مراکز علمی دانشگاهی و ایجاد رشته های الهیات و معارف اسلامی به خصوص گرایش قرآن و حدیث، این انتظار وجود داشت که فقه القرآن نیز دیر یا زود همگام با دیگر معارف در عرصه دانشگاه حضور یابد؛ از این رو دانش فقه القرآن در یک گام بلند و در مسیر تکاملی خود در دانشگاه ها مطرح گردید. ابتدا عناوین درسی به

تصویب رسید و در پی آن، کتاب‌هایی با این صبغه نگارش یافت. برخی از این کتاب‌ها عبارتند از: «آیات الاحکام» نوشته کاظم مدیرشانه‌چی که در سال ۱۳۸۲ نگاشته شده است و به وسیله سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) به چاپ رسیده است. این کتاب شامل یک مقدمه و هجده بحث می‌باشد.

«آیات الاحکام» نوشته عابدین مؤمنی نیز از این دست آثار است که توسط دانشگاه پیام نور به عنوان متن درسی در سال ۱۳۸۳ به چاپ رسیده است؛ افزون بر آن «درسنامه آیات الاحکام». تألیف نگارنده نیز که برای دانشکده‌های علوم قرآنی کشور طبق سرفصل مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نگاشته شده است و به وسیله انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در دست انتشار است، قابل اشاره است.

۷.۵. شرح، ترجمه و تصحیح: از جمله فعالیت‌های فقه‌القرآنی در این دوره، می‌توان به برنامه تصحیح و ترجمه آثار فقه‌القرآنی گذشته اشاره نمود. در بخش تصحیح، می‌توان از تصحیح کتاب «زبدۃ البیان فی برامین احکام القرآن» توسط رضا استادی و علی‌اکبر زمانی و تصحیح کتاب «کنز‌العرفان فی فقه القرآن» توسط عبدالرحیم عقیقی‌بخشایشی نام برد.

در بخش ترجمه نیز می‌توان از ترجمه «کنز‌العرفان فی فقه القرآن» توسط دکتر مهدی محقق و ترجمه و تلخیص «زبدۃ البیان» توسط دکتر سجادی که در سال ۱۳۶۲ به چاپ رسیده است، نام برد؛ همچنین می‌توان به شرح و ترجمه کتاب «کنز‌العرفان فی فقه القرآن» به وسیله سید عبدالله اصغری (۱۳۸۵ ش) و ترجمه همین کتاب به وسیله عقیقی‌بخشایشی و نیز ترجمه قسمت عقود آن که به وسیله هادی عظیمی‌گرگانی انجام شده است (۱۳۷۸ ش)، اشاره کرد.

۷۶. جامع‌نگری: در کنار آثار مذکور در این دوره، کتاب‌های جامع فقه‌پژوهی نیز حضوری مناسب داشته‌اند؛ از جمله کتب جامع، می‌توان به این آثار اشاره کرد: کتاب «آیات الاحکام» تألیف محمد سعیدی لاهیجی (متوفای ۱۴۰۳ ه. ق) که بنا به گفته عقیقی بخشایشی تمام آیات و سوره قرآن را در بر می‌گیرد (عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۲ ش. ص ۱۱۹۲)؛ کتاب «آیات الاحکام» تألیف احمد میرخانی (متوفای ۱۴۱۴ ه. ق) نیز از دیگر آثار این حوزه است. این کتاب در پنج مجلد و به زبان فارسی نوشته شده است. نویسنده از شاگردان آیات عظام بروجردی، میرزا مهدی اصفهانی، هاشم قزوینی، صدر اصفهانی و حجت کوه‌کمری بوده است. علاقه نویسنده به دو دانش فقه و تفسیر، وی را به نگارش این کتاب واداشته است.

«بدایع الکلام فی تفسیر آیات الاحکام»، تألیف محمد باقر ملکی میانجی (متوفای ۱۴۲۰ ه. ق) نیز قابل اشاره است. این کتاب در سال ۱۳۸۸ تألیف شده و در سال ۱۴۰۰ قمری در بیروت به چاپ رسیده است.

«احکام قرآن» یا «بهین فرمان» نوشته دکتر محمد خزائلی، استاد دانشگاه تهران (متولد ۱۲۹۲ ه. ق) است. این کتاب در چهار بخش: احوال شخصی، داد و ستدها و معاملات، عبادات و احکام اجتماعی تنظیم شده است که در سال ۱۳۶۰ ه. ق) برای چهارمین بار توسط سازمان انتشارات جاویدان تجدید چاپ شده است. وی علاوه بر کتاب احکام‌القرآن، اعلام‌القرآن، فرهنگ قرآن، اصول قرآن و روش تعلیم قرآن را نیز به رشته تحریر در آورده است.

«فقه‌القرآن»، تألیف محمد یزدی نیز بر خلاف شیوه دیگر کتاب‌های آیات الاحکام که به ترتیب ابواب فقهی است، در چهار بخش: عبادات، حکومتیات، عقود و ایقاعات، و اجتماعیات تنظیم شده است؛ گرچه شروع تألیف این کتاب در واقع به سال ۱۳۹۵ ه. ق) باز می‌گردد، اما چاپ اول آن در سال ۱۳۷۴ ه. ق) صورت گرفته است.

«تفسیر جامع آیات الاحکام» نوشته زین العابدین قربانی لاهیجی، امام جمعه رشت نیز از دیگر آثار این حوزه است که در هجده مجلد منتشر شده است. از دیگر کتب فقه‌القرآن این دوره، می‌توان از «احکام القرآن» نوشته سید ابوالفضل برقی نام برد که به وسیله مطبوعاتی عطایی به چاپ رسیده است؛ همچنین باید از کتاب «الشیعة و أسس التشريع» تألیف عبدالحسین شهیدی که شامل ۵۲۰ آیه است و از طهارت تا دیات را شامل می‌شود، یاد کرد (عقیقی‌بخشایشی، ۱۳۸۲ ش. ص ۱۱۹۲) و سرانجام باید به کتاب «آیات الاحکام» تألیف هاشم‌زاده هریسی اشاره کرد.

امتیازات فقه‌القرآن شیعه

فقه‌القرآن شیعه از زوایای گوناگون، بر آثار دیگر فرق اسلامی، دارای امتیازهایی است که در ادامه، به برخی از آنها اشاره می‌شود.

الف) تمسک به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام

یکی از مهم‌ترین امتیازات فقه‌القرآن شیعه، در این است که شرح مجملات آیات الاحکام، تبیین مبهمات آن، بیان جزئیات احکام، تقیید مطلقات و تخصیص عمومات قرآن، به وسیله روایات مأثور از اهل بیت علیهم‌السلام صورت می‌گیرد و البته این نیست مگر با تمسک به حدیث معروف نبوی که فرمود: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ أَهْلَ بَيْتِي عِثْرَتِي أَيُّهَا النَّاسُ: سَمِعُوا وَ قَدْ بَلَّغْتُ إِنَّكُمْ سَتَرْدُونَ عَلَيَّ الْحَوْضَ فَأَسْأَلُكُمْ عَمَّا فَعَلْتُمْ فِي الثَّقَلَيْنِ، وَ الثَّقَلَانِ كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَ أَهْلُ بَيْتِي فَلَا تَسْبِقُوهُمْ فَتَهْلِكُوا وَ لَا تَعْلَمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ» (کلینی، ۱۳۶۵ ش. ج ۱، ص ۲۹۳)؛ در حقیقت شیعه در بیان تفسیر آیات

الاحکام نیز پیرو نبی مکرم ﷺ و عترت طاهر او، یعنی امامان معصوم علیهم السلام پس از وی می‌باشد، نه کس دیگر.

ب) مقارن بودن

این امتیاز کمتر در آثار فقه‌القرآنی فِرَقِ اسلامی غیر شیعه، یافت می‌شود؛ چه اینکه آیات الاحکام‌نویسان اهل سنت به طور عموم، هرچند ممکن است در حوزه همفکران اصولی خود آثار مقارن داشته باشند، اما مذهب شیعه را در دایره مقارن قرار نمی‌دهند؛ لیکن شیعه برای آگاهی از آراء و دیدگاه‌های اهل سنت و احیاناً جهت پاسخگویی به مسائل و شبهات، به بیان دیدگاه‌های آنان می‌پردازد؛ برای نمونه فاضل مقداد در تفسیر آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا» (مائده: ۴۳) می‌نویسد: مراد از صلاة به نظر شیعه، مسجد (مکان نماز) است که مذهب شافعی نیز بر همین عقیده است، بر خلاف رأی ابوحنیفه (فاضل مقداد، ۱۴۲۴ ق. ص ۴۴). او در تفسیر آیه «لَا يَسْأَلُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقعه: ۷۹) می‌نویسد: مقصود از مطهرون، پاکان از حدیث و خبیث هستند که مروی از امام باقر علیهما السلام است؛ مذهب مالکی، شافعی و حنفی نیز بر همین عقیده‌اند (همان).

این امتیاز هرچند در بسیاری از کتب مشهود است، اما با این حال در برخی مشهودتر است؛ از جمله کتاب «کنز‌العرفان فی تفسیر القرآن». همان‌گونه که اشاره شد، مؤلف در این کتاب پس از مباحث تفسیری و قرائی به احکام فقهی آیات بر اساس مذاهب اربعه و اثبات حقانیت فقه جعفری می‌پردازد.

از کتاب‌های دیگر می‌توان به «تفسیر آیات الاحکام وفق المذهب الجعفری و

المذاهب الاربعه» نوشته سید آقا حسین طباطبایی یزدی و نیز «آیات الاحکام / درس فی آیات الاحکام» نوشته محمد هادی آل راضی - که برای طلاب حوزه علمیه قم تدوین شده است - و کتاب «فقه القرآن / آیات الاحکام تطبیقی» اشاره کرد که به عنوان کتاب درسی مقارن تنظیم و تدوین شده‌اند.

ج) مشی فقهی

از دیگر امتیازات فقه القرآن شیعه، آن است که با توجه به هویت دوسویه تفسیر آیات الاحکام که از یک سو فقه است و از سوی دیگر تفسیر، مشی و ترتیب فقهی را مد نظر داشته‌اند؛ چه اینکه فقه القرآن به نوعی، تفسیر موضوعی است که موضوع آن در بیرون از قرآن ترسیم شده است و به عنوان دانش فقه رواج دارد. فقیه مفسر، در پی آن است که از یک موضوع فقهی به هنگام عرضه بر قرآن، چه پاسخی دریافت می‌کند؛ چنان‌که پیش از این گفته شد، بر این اساس بیشتر آثار خود را در این زمینه فقه القرآن نامیده‌اند.

اما اهل سنت به شیوه تفسیر ترتیبی مشی کرده‌اند و هر آیه را در جای خود و به ترتیب موجود در قرآن مورد بررسی قرار داده‌اند؛ اما باید پذیرفت که در هر موضوع کلی یا فرعی فقهی باید به شکل متمرکز بحث نمود تا به نتیجه مطلوب رسید و بدیهی است که با این شیوه، نمی‌توان به دیدگاه نهایی قرآن دست یافت؛ از سوی دیگر اگر ما موضوع حج را به عنوان یک بحث فقهی قرآنی مد نظر قرار دهیم، طبیعی است که باید از استطاعت شروع نمود، بعد به احرام و محرّمات و سپس به دیگر مناسک بر اساس ترتیب اعمال سیر نمود؛ لذا نمی‌توان ابتدا از سعی صفا و مروه سخن گفت، بعد به بیان محرّمات احرام پرداخت و بعد از اصل حج سخن راند و در نهایت از مناسک دیگر؛ افزون بر اینکه این شیوه به دلیل تکرار آیات، تکرار مباحث را به دنبال خواهد داشت.

(د) رویکرد عقل‌گرایانه

فقه‌القرآن شیعه به تبع اصل و اصول دو دانش فقه و تفسیر، رویکردی عقل‌گرایانه دارد؛ بدین معنی که به هنگام تفسیر آیات الاحکام و به گاه فقدان ادله نقلی، به دلیل عقلی نیز تمسک کرده‌اند و یا در تأیید و ردّ مطالب از ادله عقلی کمک می‌گیرند. مقدس اردبیلی در تفسیر آیه «...وَأَجَلٌ لَّكُمْ مَّا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ مَّا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَأَتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ فَرِيضَةً» (نساء: ۲۴) می‌نویسد: آیه، ظهور در نکاح متعه دارد و هیچ دلیل عقلی و یا نقلی از کتاب و سنت آن را نسخ نکرده است؛ از یک سو جواز این نکاح به کتاب و سنت و اجماع ثابت است و این امر یقینی را تنها با دلیل یقینی عقلی یا نقلی دیگر می‌توان نقض کرد که وجود ندارد (اردبیلی، ۱۳۷۸ ش، ص ۶۵۴). قطب راوندی نیز در تفسیر آیه «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ... مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دِينٍ» (نساء: ۱۱) می‌گوید: وجه تقدم وصیت بر دین در این آیه این است که وجوب ردّ دین عقلاً واجب است؛ از این رو وصیت را مقدم داشت تا بگوید این نیز واجب است (راوندی، ۱۴۰۵ ق. ج ۱، ص ۳۸۵).

نتیجه

از مجموع آنچه گفته شد، به‌خوبی ملاحظه می‌شود که در یک ربع گذشته از قرن پانزدهم، بیش از تمام قرن چهاردهم در حوزه تفسیر آیات الاحکام تلاش علمی صورت گرفته است و در این دو زمان (۱۲۵ سال) به اندازه تمام طول عمر دانش فقه‌القرآن، فعالیت شده است که بسامد کل آن را در تألیف نزدیک به یکصد اثر و نگارش تعلیقه و حاشیه بر متون دیگر می‌توان مشاهده کرد.

اگر این آمار را به نسبت مجموع فِرَق غیر شیعی در جهان اسلام در نظر

بگیریم، بیش از پنجاه درصد کل آثار فقه‌پژوهی را به خود اختصاص خواهد داد؛ و اگر این میزان را به نسبت هر یک فرقه‌های چهارگانه و شیعه زیدیه، ظاهریه، یاضیه و آثار متفرقه در نظر بگیریم، سهم شیعه از ده تا بیست برابر یک فرقه، متغیر خواهد بود که البته این جدای از تفسیر یک یا چند آیه فقهی، تفسیر موضوعی با عنوان فقهی و مقالات و پایان‌نامه‌هایی است که در زمینه آیات الاحکام تهیه و تدوین شده است.

منابع

۱. ابن شهر آشوب؛ مناقب آل ابی طالب؛ نجف؛ المطبعة الحیدریه. ۱۳۷۶ ق.
۲. ابن ندیم. محمد بن اسحاق؛ الفهرست؛ بیروت؛ دارالمعرفه. ۱۳۹۸ ق.
۳. اردبیلی. محمد علی؛ جامع الرواه؛ ج ۱، قم؛ کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی. ۱۴۰۳ ق.
۴. إعجاز حسین؛ کشف الحجب و الأستار؛ ج ۲، قم؛ کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی. ۱۴۰۹ ق.
۵. اردبیلی. احمد؛ زیادة البیان فی براهین احکام القرآن؛ تحقیق رضا استادی و علی اکبر زمانی نژاد؛ ج ۲، قم؛ مؤمنین. ۱۳۷۸ ش.
۶. امین. سید محسن؛ اعیان الشیعه؛ تحقیق حسن الامین؛ تهران؛ وزارت ارشاد؛ بی تا.
۷. ایازی. سید محمد علی؛ فقه پژوهی قرآن (درآمدی بر مبانی نظری آیات الاحکام)؛ ج ۱، قم؛ بوستان کتاب. ۱۳۸۰ ش.
۸. بابایی، علی اکبر؛ مکاتب تفسیری؛ ج ۱، قم؛ پژوهشکده حوزه و دانشگاه و تهران؛ سمت. ۱۳۸۱ ش.
۹. بروجردی. سید علی؛ طرائف المقال؛ تحقیق سید مهدی رجایی؛ ج ۱، قم؛ کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۱۰ ق.
۱۰. تهرانی، آقابزرگ؛ الذریعه الی تصانیف الشیعه؛ ج ۳، بیروت؛ دارالاضواء، ۱۴۰۳ ق.
۱۱. حرعاملی؛ امل الامل؛ تحقیق سید احمد الحسینی؛ [بی جا]. [بی تا]. [بی تا].
۱۲. ———؛ وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه؛ قم؛ مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ ق.
۱۳. حلی، حسن بن یوسف (علامه)؛ خلاصه الاقوال؛ ط الثانی. نجف؛ المطبعة الحیدریه، ۱۳۸۱ ش.
۱۴. حموی. یاقوت؛ معجم البلدان؛ بیروت؛ دارالفکر. بی تا.
۱۵. دفتر تبلیغات اسلامی؛ فصلنامه پژوهش های قرآنی (ویژه قرآن و فقه)؛ ش ۳. ۱۳۷۴ ش.
۱۶. ذهبی؛ محمد حسین؛ التفسیر و المفسرون؛ مکتبه وهبه؛ ط السابع، قاهره؛ ۱۴۲۱ ق.
۱۷. راوندی. هبة الله؛ فقه القرآن؛ ج ۲، قم؛ کتابخانه آیت الله نجفی مرعشی. ۱۴۰۵ ق.
۱۸. السیوری. مقداد بن عبدالله؛ کنز العرفان؛ تحقیق محمد باقر بهبودی؛ تهران؛ المکتبه الرضویه لاحیاء الآثار الجعفریه. بی تا.
۱۹. سیوطی. جلال الدین؛ الاتقان فی علوم القرآن؛ تحقیق سعید مندوب؛ ج ۱، بیروت؛ دارالفکر، ۱۴۱۶ ق.
۲۰. طباطبایی. محمد حسین؛ تفسیر المیزان؛ قم؛ جامعه مدرسین. بی تا.

۲۱. طنطاوی جوهری: الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم؛ ج ۴، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ ق.
۲۲. طوسی. محمد بن الحسن: الرسائل العشر؛ تحقیق واعطزاده خراسانی؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۲۳. عاملی. سید محمد: نهایة المرام؛ تحقیق مجتبی عراقی و علی پناه اشتهااردی و آقاحسین یزدی؛ ج ۱، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
۲۴. عقیقی بخشایشی. عبدالرحیم؛ طبقات مفسران شیعه؛ ج ۲، قم: نوید اسلام، ۱۳۸۲ ش.
۲۵. عمیدزنجانی، عباسعلی؛ آیات الاحکام؛ ج ۱، قم: مؤسسه مطالعات و تحقیقات علوم اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
۲۶. عیاشی، محمد بن مسعود؛ کتاب التفسیر؛ تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی؛ تهران: المکتبه العلمیه الاسلامیه، بی تا.
۲۷. فاضل مقداد، عبدالله بن عبدالله؛ کنز العرفان؛ تحقیق عبدالرحیم عقیقی بخشایشی؛ ج ۲، تهران: نوید اسلام، ۱۴۲۴ ق.
۲۸. قمی، عباس، الکنی و الالقاب؛ [بی جا]. [بی تا]. [بی تا].
۲۹. کاظمی. جواد؛ مسالک الافهام الی آیات الأحکام؛ تحقیق محمدباقر شریفزاده؛ ج ۲، قم: المکتبه الرضویه، ۱۳۶۵ ش.
۳۰. کلینی. ثقة الاسلام (محمد بن یعقوب)؛ الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
۳۱. مؤسسه دائرة الفقه الاسلامی؛ موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت (علیهم السلام)؛ ج ۱، قم، ۱۴۲۴ ق.
۳۲. ماحوزی بحرانی. سلیمان؛ الاربعین؛ تحقیق سید مهدی روحانی؛ ج ۱، بی جا، بی تا، ۱۴۱۷ ق.
۳۳. معرفت. محمدهادی؛ التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب؛ قم: الجامعة الرضویة للعلوم الاسلامیة، ۱۳۷۷ ش (۱۴۱۶ ق).
۳۴. موسوی خویی. سیدابوالقاسم؛ معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة؛ ج ۵، قم: مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۳ ق.
۳۵. ناصحیان. علی اصغر؛ مجله تخصصی الهیات و حقوق دانشگاه رضوی؛ زمستان ۱۳۸۳، شماره ۱۴.
۳۶. نوری، حسین؛ مستدرک الوسائل؛ قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ ق.
۳۷. یزدی، محمد؛ فقه القرآن؛ قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۴.